



شوشتر؛ مهد فرزنانگان و اساطین علم و معنویت

یکی از شهرهای مستعد ایران شهر شوشتر است. اگر بخواهیم فهرست بزرگانی را که از این شهر برخاسته اند ذکر کنیم، در یک ساعت و دو ساعت میسر نمی‌شود؛ ولی اجمالاً این را عرض می‌کنم که هم در شته‌های علمی و هم در رشته‌های معنوی، شخصیت‌های روحانی بزرگی از این شهر برخاسته‌اند. شیخ مرتضی انصاری و شیخ اسدالله شوشتری ^(رحمتهما)، هر دو بزرگوار از نظر علمی در طبقه اعلای علمی هستند. شیخ انصاری علاوه بر مقام علمی، مقام زهد نیز دارد که قابل انکار نیست و مورد قبول همه اشخاص است. از رجال دیگری که خیلی مهم و مورد قبول همه بوده است، مرحوم آقا سیدعلی شوشتری است. آقا سیدعلی از بیت جزایری‌هاست. شیخ مرتضی می‌فرماید: یکی از چیزهایی که موجب تعجب من شد، این بود که این مرد بزرگوار طی مدتی که در نجف در درس من حاضر می‌شد، هیچ‌تظاهر به فضل و دانش نمی‌کرد و هیچ خیال نمی‌کرد که اهل فضل هم باشد؛ یعنی به‌قدری سنگین بود که حتی برای ذره‌ای حاضر به تظاهر نبود. شیخ که وفات می‌یابد، به‌حسب توصیه شیخ، شاگردان به درس آقا سیدعلی شوشتری می‌روند و یکی از شاگردان، مرحوم آخوند خراسانی بوده است. مرحوم آخوند چون شیخ توصیه کرده بود، به درس آقا سیدعلی می‌رود و خیال می‌کند که او فقط سیدی مقدس و متعبد است و به‌همین مناسبت شیخ توصیه کرده است؛ اما می‌گوید: درس ایشان که رفتیم، دیدیم که ایشان به‌همان قدرت شیخ، درس را اداره کرد کسی که ما خیال نمی‌کردیم، اهل سواد باشد و در آن حد از فضل قرار داشته باشد، برعکس درس را بسیار مقتدرانه اداره کرد. یکی از توصیه‌های آن مرحوم که به درد طلبه‌ها هم می‌خورد، این است که از مرحوم آخوند می‌پرسد که ملاک‌ظلم! شما درس من را می‌نویسید یا نه؟ ایشان عرض می‌کند که می‌نویسم. می‌پرسد: چطور می‌نویسی؟ می‌گوید: بعد از اینکه شما درس فرمودید، یادداشت‌هایم را مرتب می‌کنم و آنها را می‌نویسم. ایشان فرمودند که نه، مطلب را فکر کن، مطالعه کن، بنویس و بعد بیا پای درس، بعد با هم صحبت می‌کنیم. اگر مطلب من موافق بود، چه بهتر و اگر خلاف آن بود که شما نوشتید، با هم صحبت می‌کنیم. یا شما مرا قانع می‌کنید یا من شما را و بعد از تجدیدنظر، آن را حک و اصلاح می‌کنید. این درجه از رشد فکری باید مورد توجه صاحبان نظر قرار گیرد. از مطالب دیگری که راجع به مرحوم آقا سیدعلی شوشتری گفته‌اند، این است که از ملاحسینقلی ^(رحمته) نقل کرده‌اند که ایشان می‌فرموده‌کن: من وقتی به نجف پای درس شیخ مرتضی انصاری ^(رحمته) رفتم دیدم که سید پیرومردی در درس شیخ حاضر می‌شود و خیلی مورد عنایت شیخ است. من به ذهنم می‌آمد که این مرد شاید به ملاحظه سیادت و پیرمردیش و یا اینکه چون همشهری شیخ است و سوابق همشهری‌گری دارند، از این جهت است که شیخ برای وی احترام خاصی قائل است. صحبتی هم نمی‌شد و خیال فضل هم درباره او نمی‌شد. بعد من متوجه شدم که شیخ هفته‌ای یک ساعت مرتب به منزل شاگردش می‌رود –گویا روزهای چهارشنبه– این حس کنجکاوی، مرا وادار کرد که ببینم شیخ به

قاموس الرجال و صاحب آن

گفت وگو باآیت‌الله العظمی

سیدموسی شبیری زنجانی ^(رحمته)

آیت‌الله‌العظمی سیدموسی شبیری زنجانی در گفت‌وگویی، به تبیین جایگاه علمی و معنوی فرزنانگان شوشتری؛ همچون شیخ مرتضی انصاری، آیت‌الله سیدعلی شوشتری، شیخ جعفر شوشتری و علامه شیخ محمدتقی شوشتری پرداخته‌اند. در بخش اول، ابعادی چون تواضع علمی، زهد، تربیت معنوی و روش‌شناسی دقیق آموزشی این بزرگان بررسی شده‌است. سپس با معرفی‌کتاب ارزشمند«قاموس الرجال»، ویژگی‌های برجسته این اثر؛ از جمله تسلط بر منابع، دقت در نقد اسناد، تصحیح نسخه‌ها، رفع اشتباهات رجالی و نوآوری‌های علمی علامه شوشتری واکاوی شده‌است. این گفتار ضمن تکریم مقام علمی علامه شوشتری، اهمیت نقد روشمند، تبادل آرای علمی و بهره‌گیری از میراث بزرگان را در ارتقای دانش رجال یادآور می‌شود. متن پیش رو، بخش‌هایی گزیده از این گفت‌وگو است که از نظر شما می‌گذرد.

کجای می‌رود، او که بی حساب جایی نمی‌رود. به‌بهانه استخاره یا کار دیگری رفتم در منزل آقا سیدعلی را زدم. گفتند: بفرمایید داخل. رفتم دیدم که شیخ نشسته و آقا سیدعلی مشغول موعظه است. من خیلی شیفته شدم، وقتی که شیخ می‌خواستند تشریف ببرند، آقای سیدعلی ایشان را بدرقه کرد و من بعد از تشریف‌بردن شیخ خواهمش کردم که اجازه بدهد، من هم در این جلسات شرکت کنم. فرمودند: آقا رئیس هستید و وقت دیگری برای تشریف‌آوردن ندارند؛ ولی شما هر وقت که بخواهید، می‌توانید بیایید. بعد من رفتم دیدم که ایشان شاگردانی دارند.

اگر بخواهیم این وادی را طی کنیم، خیلی طول می‌کشد. مقصود اینکه شهر شوشتر چنین شخصیت‌هایی داشته است؛ اعم از علمی و معنوی. برای قاضی نورالله شوشتری ^(رحمته) در هندوستان صحن و بارگاهی شبیه یکی از مشاهد ما ساخته‌اند و گفته شد که می‌خواهند، مسیر قطار را به جهت مزار او تغییر بدهند. ایشان هم یکی از شوشتری‌هاست.

یکی دیگر از رجال معنوی درجه اول که مورد قبول خاص و عام بوده، شیخ جعفر شوشتری ^(رحمته) است. ایشان موعظه فوق‌العاده‌ای داشته. کسی نبوده که در محضر موعظه ایشان باشد و حالش تغییر نکند و یکی از آن اشخاصی که همین دقت نظر و معنویت و زهد او را به ارث برده، نتیجه ایشان آقای حاج شیخ محمد تقی شوشتری است که هم خودشان و هم کتابشان قاموس الرجال را باید جزو حسنات عصر حاضر به‌شمار آورد؛ هم مؤلف و هم مؤلف را و از نسخه قاموس الرجال می‌توان فهمید که کتاب‌های دیگر ایشان نیز بدین‌گونه است و همه اینها جزو حسنات عصر حاضرند.

ه از ویژگی‌ها و امتیازات قاموس الرجال بفرمایید.

• از ویژگی‌های ایشان باید از دقت نظر، وسعت اطلاع و استفاده از منابع مختلف و توجه به تصحیفات و یافتن علل تصحیفات و توجه به اشتباهات بزرگان و علل اشتباه آنها نام برد. ایشان در این جهات از افراد کم‌نظیر یا بی‌نظیر می‌باشند؛ هم از لحاظ دقت نظر، هم از لحاظ آگاهی. ایشان به رجال ما کمال اطلاع را دارند؛ مثلاً در فلان کتاب تاریخ، یا در فلان کتاب شعری و کتب ادبی دیگر، به مطالبی برخورد کرده‌اند و به نکاتی دست یافته‌اند که تا تضلع در رجال نباشد، توجه به آنها حاصل نمی‌شود. ایشان در اثر کثرت تنبهات و کثرت احاطه‌ای که در علم رجال داشته‌اند، گاهی مطلب دور از ذهنی را از یک مطلب شعری یا یک مطلب تاریخی برای موضوع رجالی کشف کرده‌اند و برای مطالب رجالی به‌کار برده‌اند و این ابتکاری است که کمتر کسی دارد. با بعضی از دوستان صحبت این بود که ممکن است شخص از استعداد و نبوغ بی‌نظیری برخوردار باشد؛ ولی اگر سنین متمادی کار نکرده باشد، نمی‌تواند بعضی از مشکلات و جهات مخفی را به دست بیاورد؛ مثلاً فرض کنید اگر کسی در باب حدود و دیات به روایتی برخورد کند که آن روایت متضمن یک نکته‌ای باشد که آن نکته مناسب باب طهارت باشد، این مورد را فقط شخص فقیهی که به فقه احاطه دارد می‌تواند بگوید که از این روایت برای فلان مطلب می‌توان سود

جست؛ چون نقاط تاریک مسائل فقهی را می‌داند و می‌تواند بگوید که این روایت در غیربایش ذکر شده و آن نقطه و نکته تاریک را می‌تواند روشن کند. ایشان چون در رجال سیر کرده و جهات تاریک و مبهم رجال را می‌داند، یک وقت در شعری مطلبی می‌یابد که متنبه می‌شود که این شعر، آن نقطه تاریک را روشن می‌کند. اگر کسی احاطه به رجال نداشته باشد، هر مقدار هم استعداد داشته باشد، از کجا می‌داند که فلان شعر، مناسب فلان مسئله رجالی است؟ و باید از اول تمام رجال را در نظر داشته باشد. ایشان علاوه بر احاطه بسیار، فهم فوق‌العاده‌ای نیز دارد و از این احاطه و فهم هم، استفاده‌های بسیار زیادی کرده‌اند.

یکی از خصوصیاتِی که ایشان دارد، توجه به تصحیفات نسخه‌هاست؛ به این معنا که در فلان نسخه این کلمه تصحیف شده و چرا تصحیف شده و چگونه این لفظ بدین‌گونه درآمده است؟ برای مثال در جایی به نظر می‌رسد که مناسبت ندارد، این کلمه اینجا اضافه شده باشد. ایشان علل اضافه‌نبودن آن را ذکر می‌کند و نشان می‌دهد که این مطلب عادی و طبیعی است؛ حال آنکه قبل از بیان مناسبت، هیچ به نظر طبیعی نمی‌رسیده است و در این زمینه، قدرت و ذوق فوق‌العاده‌ای از خود نشان داده‌اند.

هم چنین راجع به اشتباهات مؤلفین، غیر از تصحیفاتِی که واقع می‌شود، مثلاًّ فرض کنید، در فهرست شیخ در فلان مسئله، اسحاق بن عمار ساباطی حکم کرده به فطحی‌بودن شیخ؛ [اما] اشتباه کرده؛ زیرا نه ساباطی بوده است و نه فطحی. ایشان در توجه به اشتباه و بیان علت اشتباه و اینکه این اشتباه از کجا واقع شده است، ید طولایی دارد و در این جهت بسیار استاد است.

در همین مسئله اسحاق بن عمار ساباطی، ایشان برخلاف همه رجالیین دیگر، مطلبی دارد که از ابتکارات خودشان است و این را با مقایسه با دیگران می‌توان به دست آورد.

عبدالله بن محمد اسدی یکی از آن اشخاص است که به‌نام ابویصیر معرفی شده؛ هم در رجال کشی هست، هم در فهرست شیخ و همچنین در کتب دیگر. ایشان با بیاناتی اثبات می‌کند که اساساً این شخص وجود خارجی ندارد و اشتباه نسخه اولیه سبب شده که شخصی به‌نام عبدالله بن محمد اسدی وجود پیدا کرده است. در این زمینه هم ایشان مهارت کامل دارند؛ البته این فوق‌العادگی و مؤسس‌بودن ایشان لازمه‌اش این نیست که تمام مطالبی که ایشان نوشته‌اند، جملگی درست باشند و اشتباه نداشته باشند؛ بلکه گاهی می‌توان به مطلب ایشان حاشیه زد و شاید اگر کسی بخواهد حاشیه بزند، بیش از همین کتاب قاموس الرجال که ایشان نوشته‌اند، می‌توان حاشیه زد؛ ولی این از ارزش و اهمیت خود کتاب نمی‌کاهد. ایشان مؤسس و مبتکر است و کتاب ایشان باید مورد نظر واقع شود و درباره‌اش بحث گردد.

بنده مقداری حاشیه بر رجال شیخ نوشته بودم. البته بر تمام رجال شیخ حاشیه نوشته بودم؛ ولی مختصر بود. بعد شروع کردم به حاشیه تفصیلی نوشتن که تا نیمی از صحابه نوشته شد. شاید این حاشیه مجلدات زیادی بشود. هر جا که صاحب قاموس الرجال بیانی داشت، آنجا آن بحث حاشیه ما گرم می‌شد؛ چون مطلب داشت و جاهایی که ایشان بحث نداشت، یک بحث ساده و معمولی برگزار می‌شد. خلاصه اینکه ایشان را باید از مؤسسين ذکر کرد و کتاب ایشان کتابی است که باید محور بحث‌های رجالی بعد قرار بگیرد.

ه سابقه آشنایی شما با ایشان از چه زمانی است؟

یک آقای آقا سیدحسن جزایری بود که فوت کرد. ایشان مورخ و از علمای اهواز هم بود و یک وقتی به قم تشریف آورده بودند. از ایشان پرسیدم که در قسمت رجال شما چه کسی را سراغ دارید که بتوان استفاده کرد؟ گفت: یک آقا شیخ محمدتقی شیخ هست در شوشتر، نواده حاج شیخ محمد جعفر شوشتری و ایشان کار همیشگی شان رجال است و مثل شما این کار برایش در حاشیه نیست؛ بلکه متن کارشان است و دائماً مشغول این کار است. گفتیم: خوب چگونه ایشان را پیدا کنیم؟ ما در قم و ایشان در شوشتر. در صحن نشسته بودیم، قبل از نماز این را به بنده گفت و به حرم مشرف شد. بعد از نماز گفت: تصادفاً من آقای شوشتری را در حرم دیدم. این تصادف خیلی عجیب بود! بعد من سراغ ایشان به ایوان آیینه رفتم. دیدم شیخ پیرومردی است افتاده حال. به ایشان گفتم: شما آقا شیخ محمدتقی شیخ هستید؟ فرمودند: بلی. گفتم: قاموس الرجال را شما تألیف کرده‌اید؟ گفتند: بلی. بعد دید و بازدیدِی با ایشان کردیم و بعد هم قاموس الرجال را برای من فرستادند که اگر صلاح باشد، من بدهم به آقای بروجردی تا چاپ شود. بعد من نگاه کردم دیدم، این مشکل است که به آقای بروجردی بدهیم؛ چون اولاًخواندن خط ایشان خیلی مشکل بود و دوم اینکه تعبیرات ایشان در مواردی که اشخاص را نقد می‌کند، خیلی تند است. با اعتراف به همه ارزش‌های این کتاب، این نقطه ضعف کتاب ایشان است و مرحوم آقای بروجردی هم به این جهت خیلی مقید بودند.

ه این ارتباط تقریباً مربوط به چه سال‌هایی است؟

مرحوم آقای بروجردی ۲۵ سال است که مرحوم شده‌اند و این، چند سال قبل از فوت ایشان بوده است. تاریخ دقیقش را نمی‌دانم؛ ولی این اندازه می‌دانم که چند سال قبل از فوت آقای بروجردی بوده است. حدوداً ۲۷ یا ۲۸ سال پیش.

منبع: مجله کیهان فرهنگی، فروردین ۱۳۶۴، شماره ۱۳

